

کتابسوزی بزرگ تازیان

پیرامون کتابسوزی بزرگ تازیان پس از چیرگی بر ایران و مصر گزارش ها و بازگویی های فراوانی وجود دارد. در این میان به دو گزارش برجسته میپردازیم. این دو گزارش بدست دو تاریخنگار گوناگون و در زمان و جاهای گوناگون از هم آورده شده است. نخستین گزارش را از ابن خلدون تاریخ نگار و فیلسوف برجسته ی عرب زبان(زاده ی تونس) می آوریم. ابن خلدون در گفتار «العلوم العقلية و اصنافها» از پیشگفتار تاریخش گوید:

«زمانی که کشور ایران گشوده شد نسکها(کتابها) ی فراوانی در آن سرزمین به دست تازیان افتاد. سعد بن ابی وقاص درباره ی آن نسکها نامه نوشت و در ترجمه کردن آنها برای مسلمانان پروا خواست. عمر بدو نوشت که آن نسکها را در آب افکند، چه اگر آنچه در آنهاست راهنمایی است، خدا ما را به رهنماتر از آن هدایت کرده است و اگر گمراهی است خدا ما را از شر آن محفوظ داشته. بنابراین آن نسکها را در آب یا در آتش افکندند و دانشهای ایرانیان که در آن کتب نگاشته شده بود، از میان رفت و به دست ما نرسید.» گزارش دوم از ابو الفرج ابن العبری:

«...چیزهایی که چندان محل حاجت شما نیست خواهش می‌کنم که آنها را به خود ما واگذار کنید که استحقاق ما به آنها بیشتر می‌باشد. عمرو پرسید که آنها چیستند؟ در جواب گفت: کتب حکمت و فلسفه می‌باشند که در کتابخانه دولتی ذخیره شده‌اند. عمرو اظهار داشت که من در این باب باید از خلیفه(عمر) دستور بخواهم و الا از خودم نمی‌توانم قبلا اقدامی کنم. چنانکه عین واقعه را به خلیفه اطلاع داده و کسب تکلیف نمود، در جواب نوشت: اگر این کتابها موافق با قرآن می‌باشند هیچ ضرورتی به آنها نیست و اگر مخالف با قرآنند تمام آنها را بر باد ده. بعد از وصول این جواب، عمرو شروع به انهدام کتابخانه نموده مقرر داشت که بین حامیهای اسکندریه کتابها را تقسیم کردند و از این رو در مدت شش ماه تمام کتب را سوزانیده بر باد داد. و آنچه واقع شده بدون استعجاب قبول نما.»

در این میان گزارش های دیگری نیز وجود دارد. برای نمونه به گزارش ابوریحان بیرونی می‌پردازیم. ابوریحان در در الآثار الباقية مینویسد: «و چون قتیبه بن مسلم نویسندگان ایشان(خوارزمیان) را هلاک کرد و هیریدان ایشان را بکشت و کتب و نوشته‌های آنان را بسوخت» همچنین برای رسیدن به هوده ی(نتیجه ی) وجود کتابخانه های بزرگ و دانشمندان و فرهیختگان در ایران پیش از تاختن تازیان میتوان به نسکهای دینی و زرتشتی مراجعه کرد. میدانیم که پس از شکست یونانیان و برپایی پادشاهی ایرانی اشکانی، بلاش(ولخش) اشکانی دستور به گردآوری اوستا و دیگر نوشته های دانشیک آن زمان داد به گواهی دینکرت:

«فرمان داد که تا اوراق باقی مانده ی اوستا را که متفرق و پریشان شده بود اعم از آن چه که مدون بود و یا فقط در پادها و خاطرها باقی مانده بود گردآوری کند.»

پس از او اردشیر بابکان(ارتخشتر پاپکان) و فرزندش شاپور و دیگران در پادشاهی ساسانی کار او را جدی تر دنبال کردند. به گواهی دینکرت:

«پادشاه بزرگ اردشیر بابکان(224-241 یا 242) هیرید هیریدان، تنسر را به دربار خود خوانده به وی به فرمود مابقی اوستا را که تا آن روز گردآوری نشده بود مدون سازند.(9) پس از وی پسرش شاپور (242-272) فرمان داد تا قطعات راجع به طب و نجوم و جغرافیا و فلسفه را که نزد هندوان و یونانیان پراکنده بود به دست آورده جز اوستا سازند و نسخه‌ای از آن را در گنج شپیکان گذارند، بالاخره شاپور دوم پسر هرمز(310-379) برای از میان برداشتن گفتگوهای دینی که در بین دسته‌های گوناگون برخاسته بود آذرد پسر مهراسپند را بر آن داشت که به اوستا مرور نموده و انگیزه‌ای بر درستی آن به دست دهد.»

افزون بر نسکخانه های بزرگ که در بر دارنده ی دانش چند هزار ساله ی ایرانیان بود، میتوان به سازه هایی اشاره کرد که بیگمان نیاز به دانش هندسی و ریاضی و فیزیک و ... داشته اند. طاق کسرا(۱)، آتشکده ی آذرفرنبغ(پارس) در فیروزآباد و کاخ اردشیر، کاخ سروستان، شهر بیشاپور و...

کتابهای دینی در بردارنده ی دستوره های پزشکی به زبان پهلوی و نیز سپاهی توانمند با منجنیق ها و جنگ افزارهای پیشرفته که حدود ۴۰۰ سال توانست در برابر تاخت و تاز خاقانات تُرک غریبی و سپاه بزرگ روم و رخنه های پی در پی تازیان تاب بیاورد، از دیگر نشانه های جایگاه بالای دانش در میان ایرانیان پیش از یورش تازیان هست.

ابولولو که منابع او را پیروز نامیده اند(۲) یک ایرانی از نپاوند بود که بدست اعراب دستگیر شد و به غلامی مغیره بن شعبه فرمانروای کوفه درآمد(۳). او به دانش و فن های **نقاشی، آهنگری، و درودگری** آشنا بود و به همین انگیزه بدستور عمر به مدینه آورده شد. کینه ی کودکان و زنان ایرانی که هر روز بدست تازیان جلوی چشمان او به بردگی کشیده میشدند، انگیزه ای شد که فیروز انتقام ایرانیها را

از عمر بگیرد و او را بکشد. چیزی که در این بازگویی به کار جستار کنونی می آید همانا اشاره ی تاریخ نگاران به دانسته ها و فندهای پیروز(رده پایین از دید اجتماعی!) است.

۱. این سازه ۳۵ متر بلند، ۲۵ متر پهنا و ۵۰ متر درازا دارد و بزرگترین و بی همتاترین طاق بدون ستون جهان بشمار می آید.
۲. حسان بن ثابت، ۲۷۳/۱؛ ابن حبیب، «اسماء»، ۱۵۵؛ ابن قتیبه، ۱۸۳
۳. ابن سعد، ۳۴۵/۳؛ ابن شیه، ۸۹۹-۸۹۶/۳؛ طبری، ۱۹۱-۱۹۰/۴؛ درباره دیگر روایات نک: ابن شیه، ۸۹۳/۳؛ ابن اعثم، ۳۲۳/۱

<http://www.denaboy.persianblog.ir>

وبلاگ کرانه گمنام

<http://www.et4ir.blogfa.com>

وبلاگ آموزش های کاربردی

<http://denaboy.parsaspace.com>

وبسایت فرزند دنا

=====

مدیر سایت و وبلاگ ها : *فرید نیک اقبالی*